

دولت در جریان مزد کارگران از خودش مایه بگذارد

علی اکبر لبافی، کارشناس حوزه کار

در باره پیش بینی روند تعیین دستمزد سال ۹۸ کارگران در شورای عالی کار باید گفت که امسال در زمینه تعیین دستمزد کارگران شرایط خاصی داریم. از یک طرف حفظ نگاه‌های اقتصادی، جلوگیری از ریزش نیروهای انسانی و ماندگاری در چرخه اقتصاد مهم است و از طرف دیگر قدرت خرید خانوارهای کارگری و گروه‌های کم‌درآمد به شدت پایین آمده و قدرت معیشت به شدت افت کرده است.

آنچه که در سال‌های گذشته برای تعیین حداقل مزد با افزایش سایر سطوح مزدی اتفاق می‌افتاد، ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش بوده که نرخ تورم را براساس شاخص‌های دیگر از بانک مرکزی و مرکز آمار گرفته‌ایم و مبنای محاسبه دستمزد کارگران قرار دادیم و متأسفانه وزارت کار در شرایط متفاوت اقتصادی، تصمیمات متناسب با وضعیت اقتصادی نگرفته و این روند تاکنون ادامه داشته است.

امسال اما شرایط فرق می‌کند به گونه‌ای که به دلیل وضع بنگاه‌ها و حفظ و صیانت از نیروهای کار نمی‌توانیم یک‌باره دستمزدها را جهش بدهیم چون دستمزد را کارفرمایان می‌پردازند نه دولت و از طرفی اگر دستمزد را افزایش ندهیم قدرت خریدی هم که به شدت تنزل یافته نخواهد بود تا خانواده‌ها را تأمین کند. شرایط زندگی طوری است که نه کارگر قدرت خرید دارد و با حقوق حداقلی می‌تواند چرخ زندگی را بچرخاند و نه کارفرمایان و بنگاه‌های اقتصادی توان آن را دارند که دستمزد بیشتری پرداخت کنند.

در چنین شرایطی سوال پیش می‌آید که چگونه می‌توان از معیشت کارگران و بنگاه‌های تولیدی توأمان حمایت کرد؟ کوتاه‌ترین جواب این است که دولت از خودش مایه بگذارد چون دو شریک دیگر اجتماعی به سختی خودشان را سرپا نگه داشته‌اند. اما دولت چطور باید وارد عمل شود؟ می‌تواند وعده‌ای که بابت اختصاص یارانه حاصل‌های انرژی به تولیدکنندگان داده بود عملی کند. در بحث قوانین و مقررات بانکی، تسهیلات ارز را قیمت به کارفرمایان بدهد و این تسهیلات را بانرخ ۱۰ تا ۱۵ درصد پرداخت کند یا در بحث مالیات به جای مالیات ۲۵ درصدی، مالیات کمتر با درصد کمتر بگیرد و به نوعی از کارفرمایان حمایت کند تا آنها هم بتوانند روی نرخ افزایش مزد کارگران چیران کنند.

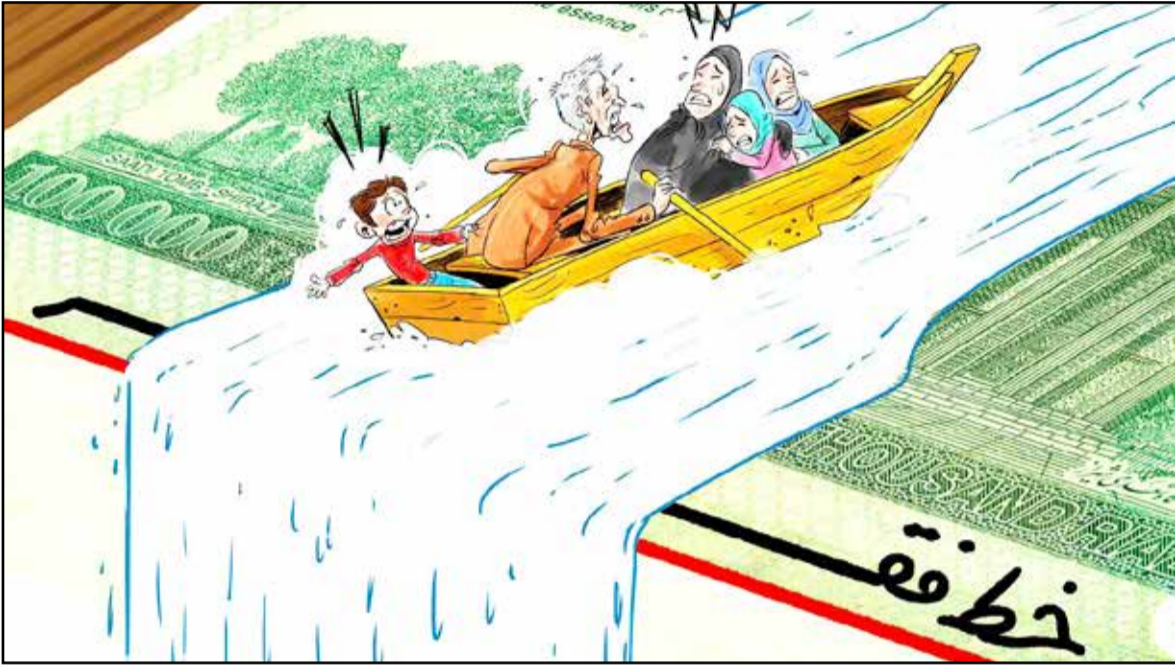
همچنین شورای عالی کار باید با دولت هماهنگ کرده و اعلام کند که ۲۰ درصد پیش بینی شده برای کارکنان دولت پاسخگوی معیشت کارگران در سال آینده نخواهد بود و با همراهی دولت، ۵ تا ۱۰ درصد به آن اضافه کنند به نحوی که بخشی از بار افزایش را به دوش کارفرمایان بگذاریم و پنج تا ۱۰ درصد دیگر را با معافیت مالیاتی و اعمال تخفیف در عوارض و بیمه و هزینه‌های تأمین مواد اولیه کارفرمایان جبران کند.

اگر شرکای اجتماعی و در رأس آنها دولت سهم خود را نبردارند و از خود مایه نگذارند، تعیین دستمزد سال ۹۸ فرایند حرفه‌ای و ملایمی را طی نخواهد کرد. نمی‌توانیم یک‌جانبه مزد را افزایش بدهیم و از کارفرمایان بخواهیم آن را اجرا کنند و وزارت کار فقط بخشنامه‌اش را صادر کند. باید قالب‌های حمایتی نظیر یارانه تولید، مساعدت‌های مالیاتی و بیمه‌ای و مشوق‌های صادراتی را برای کارفرمایان هم ببینیم تا بتوانند روی افزایش دستمزد کارگران چیران کنند و در سال آینده ریزش نیروهای انسانی و کود بنگاه‌های تولیدی را شاهد نباشیم. همچنین زمه‌های حذف برخی نمایندگان کارگری از شورای عالی کار، اقدامی نسنجیده برای وزارت کار دانست. اگر قرار بود نمایندگان کارگری برخی تشکل‌ها دیگر حضور نیابند باید ابتدا این امر اتفاق می‌افتاد ولی وقتی وزارت کار با دعوت نمایندگان همه تشکل‌های کارگری بلوغ و پختگی خود را نشان می‌دهد اکنون حذف یک‌باره نمایندگان، زبینه وزارت کار نیست. طبق قانون منعی ندارد که نمایندگان کارگری دیگر تشکل‌ها در جلسات دستمزد شورای عالی کار حضور یابند و وزارت کار می‌تواند آنها را دعوت و نظراتشان را اخذ کند. برابر قانون کار تشکل غالب به عنوان تشکل کارگری رسمی در شورای عالی کار حضور می‌یابد و تشکل غالب، تشکلی است که علاوه بر تعداد بتواند جمعیت گسترده‌ای را از کارگاه‌ها گرفته تا بنگاه‌ها و صنوف پوشش دهد.

متولیان قانونی از ارائه آمار شفاف طفره می‌روند

خط فقر و نرخ تورم نامعلوم؛ مبنای تعیین مزد

آنچه سردرگمی و تشتت آماری خوانده می‌شود، هر سال وقتی که به مذاکرات مزدی نزدیک می‌شویم، خود را بیشتر نشان می‌دهد اما یک سوال ذهن را به خود مشغول می‌دارد. نکنند بایکوت آماری بانک مرکزی به دلیل کاهش شدید ارزش پول ملی و تورم بی‌سابقه‌ای است که امسال تجربه کرده‌ایم؟



نسرین هزاره مقدم

آمار و اطلاعات منتشره به شدت افکار

عمومی را سردرگم می‌کند. هیچ مرجع مستقل، قابل اعتماد و مستدلی برای احصای آمارهای اقتصادی و اطلاعات مربوط به معیشت مردم وجود ندارد و اعداد و ارقامی که نهاد‌های متفاوت و بعضاً برخی از مسئولان اعلام می‌کنند، دچار تفاوت و حتی تناقض آشکار است.

اگر ملاک تعیین دستمزد را براساس آنچه ماده ۴۱ قانون کار تصریح کرده، نرخ تورم رسمی و محاسبات سبب معیشت حداقلی بدانیم و در کنار اینها بخواهیم همان‌طور که اولیا علی بیگی، رئیس هیات‌مدیره کلان‌عالی‌شوراهای اسلامی کار کشوری گوید معیار بی‌نام خط فقر واقعی را در تعیین دستمزد در نظر بگیریم، نیازمند دو دسته آمار دقیق و قابل استناد هستیم: اول نرخ واقعی تورم دوم خط فقر واقعی. مشکل اینجاست که در مورد هیچ‌یک از این دو پارامتر اقتصادی دخیل در تعیین دستمزد ۱۴ میلیون خانوار کارگری کشور، آمار قابل استنادی در دست نیست.

بهر است به چند نمونه از اطلاعات معیشتی اعلام شده نگاهی بیندازیم. در همین روزهای گذشته، روح‌الله بابایی صالح، نماینده بوئین‌زهرا در مجلس با بیان اینکه قبلاً ملاک خط فقر دریافت حقوق زیر ۳ میلیون بود اما این وضعیت با توجه به شرایط فعلی اقتصادی کشور تغییر کرده است، گفت: خط فقر هم اکنون به حقوق‌های زیر ۶ میلیون تومان رسیده است.

این نماینده مجلس، خط فقر را ۶ میلیون تومان اعلام کرده است، در حالی

که گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس، اطلاعات متفاوتی در این زمینه دارد. این گزارش اعلام کرده، متوسط انواع هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی برای یک خانوار با جمعیت ۴ نفر رقمی ۲۶۲۰ ریال در سال یعنی ماهیانه حدود ۲۰ میلیون ریال است.

براساس این گزارش، خط فقر در یک خانواده چهار نفره در شهر تهران در تابستان سال ۹۷ ماهیانه ۲۷ میلیون ریال و سالیانه حدود ۳۲۰ میلیون ریال برآورد شده است. تفاوت ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی که مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید با ۶ میلیون تومانی که یک نماینده مجلس عنوان می‌کند، بسیار زیاد است. در واقع نرخ‌اعلانی نماینده مجلس برای خط فقر، دو برابر رقمی است که مرکز پژوهش‌های مجلس عنوان می‌کند.

ابهام در میزان خط فقر واقعی فرامرز توفیقی، رئیس کمیته دستمزد کلان‌عالی‌شوراهای اسلامی کار کشور در رابطه با خط فقر و سردرگمی آشکار در تعیین میزان آن می‌گوید: به رغم تکلیف صریح و مکرر در برنامه‌های پنج‌ساله (چهارم، پنجم و ششم) که تعیین خط فقر، مسئولیت مستقیم دولت‌هاست، ما تاکنون از هیچ دولتی به صورت رسمی نشنیده‌ایم که خط فقر اعلام کند.

توفیقی درباره دلیل این غفلت از تکالیفی می‌گوید: ترس از تبعات شفافیت آماری. تا این لحظه، خط فقر را اعلام نکرده‌اند چون اعلام خط فقر می‌تواند تأثیر مستقیم روی تصمیم‌گیری‌های بسیاری در حوزه‌های کلان اقتصادی

داشته باشد. اگر خط فقر را به صورت رسمی اعلام کنند، براساس آنچه قانون اساسی الزام کرده در فاصله بعدی باید برای فقرزدایی بکوشند. باید خط فقر را در تعیین حقوق کارمندان و دستمزد کارگران دخیل کنند...

او ادامه می‌دهد: در حالی که متولیان قانونی از ارائه اطلاعات خط فقر طفره می‌روند، مراجع غیررسمی آمارهای مختلف و بعضاً متناقض ارائه می‌دهند. ما آن قدر خلاقانه و فقدان اطلاعاتی داریم که هنوز اطلاعات هرم غذایی مناسب برای خانوارهای ایرانی تعیین نشده است! ابتدای‌ترین چیز برای تعیین خط فقر، همین اطلاعات هرم غذایی است که نداریم! باید گفت این تکلیف هم مثل هزاران تکلیف بدون پایش دیگر، سال‌هاست که بر زمین مانده است.

او به محاسبات خط فقر باهمان سبب معیشت که گروه کارگری شورای عالی کار در دست محاسبه دارد، می‌پردازد و می‌گوید: حاضریم با مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد خط فقر ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی مباحثه کنیم، چون ما وقتی حداقل‌ها را در نظر می‌گیریم، در کم‌برخوردارترین استان‌ها به عدد ۳ میلیون تومان می‌رسیم. در واقع هیچ جغای کشور، خط فقر کمتر از ۳ میلیون تومان نیست. تازه این عدد، بسیار حداقلی محاسبه شده است، نمی‌دانیم مرکز پژوهش‌های مجلس، رقم ۲٫۷ میلیون تومان را از کجا آورده؟ بیایند در این باره شفاف‌سازی کنند.

اما سردرگمی آماری فقط محدود به اعلام خط فقر نیست. در اطلاعات مهم‌تر و پرکاربردتری مثل نرخ تورم نیز این سردرگمی به وفور یافت می‌شود،

روح‌الله بابایی صالح، نماینده بوئین‌زهرا در مجلس با بیان اینکه قبلاً ملاک خط فقر در یافت حقوق زیر ۳ میلیون بود اما این وضعیت با توجه به شرایط فعلی اقتصادی کشور تغییر کرده است، گفت: خط فقر هم اکنون به حقوق‌های زیر ۶ میلیون تومان رسیده است

سردرگمی و تشتتی که با بایکوت آماری بانک مرکزی به نقطه‌ای رسید که به آن غیر قابل احصا شدن اطلاعات آماری می‌گویند.

هفدهم بهمن ماه، کمیسیون تخصصی شورای عالی آمار به اتفاق آراء، برای بانک مرکزی در ارائه آمارهای رشد تورم، ممنوعیت ایجاد کرد. ریاست این کمیسیون به عهده یکی از معاونان مرکز آمار است. بنابراین آنچه رسانه‌های شده است، اختلاف رقم تورم بین دو نهاد رسمی کشور، منتج به رأی حذف بانک مرکزی شده است. با این حال و بنا به گفته فرامرز توفیقی، برای احصای آرقام واقعی تورم که در محاسبات دستمزد سبب معیشت بسیاری به کار می‌آید، آمارهای بانک مرکزی همواره بسیار قابل استنادتر از آمارهای مرکز ملی آمار بوده است.

تعیین بهروز و هفتگی آمارهای مربوط به تورم توسط بانک مرکزی، به اعلام خط فقر نیست. در اطلاعات مهم‌تر و پرکاربردتری مثل نرخ تورم نیز این سردرگمی به وفور یافت می‌شود،

راماها نه هفته‌گی و بایک هفته تاخیر اعلام می‌کند، فاقد آن است.

اما قانون در این مورد چه می‌گوید و آیا بایکوت بانک مرکزی، مبنای قانونی صحیح داشته است؟ ماده ۱۰ احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشوری می‌گوید: به منظور یکپارچه‌سازی، ساماندهی و رفع موازی‌کاری در نظام آماری کشور: الف. مرکز آمار ایران مرجع رسمی تهیه، اعلام و انتشار آمارهای رسمی کشور است.

ب. مرکز آمار ایران با همکاری دستگاه‌های اجرایی نسبت به تهیه برنامه ملی آماری کشور مبتنی بر فناوری‌های نوین با رعایت استانداردها و ضوابط تولید و انتشار آمارهای رسمی، استقرار نظام آمارهای ثبتی و استقرار و تغذیه مستمر پایگاه اطلاعات آماری کشور اقدام کند.

پ. دستگاه‌های اجرایی مانند بانک مرکزی مکلف‌اند در حدود وظایف قانونی خود و در چارچوب ضوابط و استانداردهای شورای عالی آمار ایران، آمار تخصصی حوزه‌های مربوط به خود را تولید و اعلام کنند. در این صورت، آمار منتشره، آمار تخصصی رسمی است.

مطابق بند «پ» مسئولان بانک مرکزی معتقدند که قانون، صراحتاً بانک مرکزی را مکلف به تولید و انتشار این آمارها کرده و به همین دلیل گفته شده «اولاً کمیسیون تخصصی شورای عالی آمار نمی‌تواند خلاف قانون مذکور مصوبه‌ای داشته باشد. ثانیاً مذاکرات کمیسیون بودجه و محاسبات مجلس در زمان تصویب ماده ۱۰ احکام دائمی، دلیل اصلی وجود بند «پ» اساساً موضوع تولید و انتشار نرخ تورم و رشد اقتصادی بانک مرکزی بوده و البته شرح مذاکرات در این زمینه نیز موجود است.

ثالثاً تفسیر قوانین در حیطه وظایف مجلس محترم شورای اسلامی است، نه کمیسیون تخصصی شورای عالی آمار». در مقابل، کمیسیون تخصصی شورای عالی مرکز آمار اعلام کرده که حساب‌های ملی و تورم جزو آمارهای تخصصی بانک مرکزی محسوب نمی‌شوند و موازی‌کاری از مصادیق عقب‌ماندگی اطلاعاتی است.

تورم نقطه به نقطه دی‌ماه؛ ۴۰٫۵۰ درصد؟ با این حساب دشاوری‌های بسیاری سراسر راه مذاکرات مزدی ۹۸ وجود دارد. مرکز ملی آمار، تورم دی‌ماه را با سال پایه ۱۳۹۵ حدود ۲۰٫۶ درصد اعلام کرده است. بر پایه این گزارش، نرخ تورم در دهک‌های مختلف هزینه‌ای در بازه ۱۹٫۶ درصد برای دهک اول تا ۲۲٫۲ درصد برای دهک دهم نوسان دارد. محدوده تغییرات تورم دوازده‌ماهه در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشپزخانه‌ای‌ها و دخانیات» بین ۲۵٫۶ درصد برای دهک اول تا ۲۸٫۳ درصد برای دهک دهم است. همچنین در گروه عمده

توفیقی: در حالی که متولیان قانونی از ارائه اطلاعات خط فقر طفره می‌روند، مراجع غیررسمی آمارهای مختلف و بعضاً متناقض ارائه می‌دهند. ما آن قدر خلاقانه و فقدان اطلاعاتی داریم که هنوز اطلاعات هرم غذایی مناسب برای خانوارهای ایرانی تعیین نشده است

«کالاهای غیر خوراکی و خدمات» تورم بین ۱۴٫۹ درصد برای دهک اول تا ۲۰٫۹ درصد برای دهک دهم است. این مرکز، نرخ تورم نقطه به نقطه دی‌ماه را برای کل کشور حدود ۴۰ درصد اعلام کرده است.

آیا این اعداد و ارقام، با واقعیت‌های ملموس زندگی روزمره ما تطابق دارد؟ آیا می‌توان به این اعداد به عنوان منابع قابل اطمینان، در مذاکرات مزدی بسنده کرد؟ در حالی که به زعم مرکز ملی آمار، نرخ تورم نقطه به نقطه برای دی‌ماه، ۴۹ درصد است که احسان سلطانی، پژوهشگر اقتصادی عقیده دارد: براساس متدولوژی بانک مرکزی و سایر برآوردها داده‌ها، نرخ تورم نقطه به نقطه دی‌ماه ۴۵ درصد برآورد می‌شود.

او ادامه می‌دهد: نرخ تورم نقطه به نقطه واقعی دی‌ماه (بدون استفاده از متدولوژی بانک مرکزی) حدود ۵۰ درصد است.

سلطانی تأکید می‌کند: نرخ تورم اعلامی مرکز رسمی، برآورد به شدت محافظه‌کارانه و براساس یک زندگی حداقلی (بخور و نمیر) است. اگر کسی بخواهد خانه‌اش را تعمیر کند، خانه بخرد یا بسازد، وسیله کار یا زندگی بخرد، خود را مناسب تهیه کند، کسب و کاری راه بیاندازد، سرمایه‌گذاری صنعتی کند، از دواج کند یا اینکه در حد کیفیت استاندارد متوسط کشورهای دیگر تورم حدود ۱۰۰ درصد و بر روی شود.

این پژوهشگر اقتصادی معتقد است در هر صورت حتی با حفظ شرایط فعلی، تورم تجمعی چهار ساله فعالیت دولت دوازدهم بالای ۲۰۰ درصد خواهد بود.

در مجموع، آنچه سردرگمی و تشتت آماری خوانده می‌شود، هر سال به مذاکرات مزدی که نزدیک می‌شویم خودش را بیشتر نشان می‌دهد اما یک سوال ذهن را به خود مشغول می‌دارد. نکنند بایکوت آماری بانک مرکزی به دلیل کاهش شدید ارزش پول ملی و تورم بی‌سابقه‌ای است که امسال تجربه کرده‌ایم؟ نکنند خواسته‌اند یا این بایکوت، سندساز برای پایین کشیدن نرخ تورم را تسهیل کنند و نسبت به هر سال، ریج معاش را درگیر ابهام آماری بیشتر کنند؟



رئیس کمیته حقوق و دستمزد کارگران شورای عالی حقوق کار با بیان اینکه در کشورهای مترقی و پیشرو، تعیین دستمزد، دو ضلع دارد، ادامه داد: این دو ضلع شامل کارفرما و کارگر هستند و در آنجا دولت نقش نظاره‌گر و تسهیل‌گر را دارد. در چنین حالتی، می‌توانستیم در یک رقابت دوطرفه به هدفی که داشتیم، بر سهیم و یقیناً حقوق کارگر، بیش از آن چیزی بود که امروز شاهد هستیم.

حقوق کارگران در حال حاضر کفاف حداقل‌ها را هم نمی‌دهد

کار را در کار نمی‌کند، اظهار داشت: قانون کار از سالی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب شد، ابر و ناقص مانده است. مواد ۷ و ۴۱ قانون کار که قلب قانون کار محسوب می‌شوند تا به امروز رنگ عینیت بخشیدن به خودش را نگرفته است.

وی تصریح کرد: اگر قرار است در شورای عالی کار تغییراتی اتفاق بیفتد، بهتر است نمایندگان، پایش و اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی را دقت کنند و دولت از کارفرمای مطلق به یک دولت نظاره‌گر تبدیل نشود. دولت‌مدان به علت ماهیت کارفرمایی دولتی، خودشان به عنوان کارفرما در میز مذاکره می‌نشینند زیرا دولت‌ها اصل ۴۴ اجرایی نکرده‌اند و اگر قوه مقننه بر اجرایی شدن این اصل اصرار داشت، دولت امروز، دولت کارفرمای نبود.

دولت لایحه خود را پس گرفت و مجال اصلاح این بند که یکی از ضرورت‌های اصلاح قوانین کار است، میسر نشد. وی تصریح کرد: متأسفانه اکثر افرادی که در شورای عالی کار حضور دارند، دولتی هستند و نمایندگان کارگر در اقلیت هستند. حقیقت آن است که حقوق کارگران در حال حاضر کفاف حداقل‌ها را هم نمی‌دهد. در این زمینه بر دارند.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با انتقاد از قانون کار، اظهار داشت: این قانون ۲۶ سال پیش تصویب شده و نیاز به اصلاح دارد و اصلاح آن، قطعاً به سود کارگران خواهد بود اما تعصب تشکل‌های کارگری مانع این اصلاح شده است. در ادامه، فرامرز توفیقی با بیان اینکه ضرورت اصلاح قانون

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: متأسفانه اکثر افرادی که در شورای عالی کار حضور دارند، دولتی هستند و نمایندگان کارگر در اقلیت هستند. حقیقت آن است که حقوق کارگران در حال حاضر کفاف حداقل‌ها را هم نمی‌دهد. سلمان خدادادی در برنامه «بدون خط خوردگی» با حضور فرامرز توفیقی، رئیس کمیته حقوق و دستمزد کارگران در شورای عالی کار که از شبکه رادیو گفت‌وگو بخش شد، با بیان اینکه یکی از چالش‌هایی که سال گذشته مجلس و تشکل‌های کارگری داشتند، لایحه اصلاح قانون کار بود، گفت: مجلس مصمم بود تغییراتی در شورای عالی کار به نفع کارگران ایجاد کند. شورای عالی کار متشکل از افرادی است که تصمیم‌گیرنده هستند و حقوق و دستمزد کارگران نیز توسط این شورا تعیین می‌شود اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد زیرا

خبر

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس: